

جشن اقوام ایرانی در شب یلدا

شب یلدا یا همان شب چله؛ که در باور ایرانیان بلندترین شب سال و آغاز زایش دوباره خورشید و بازگشت گرما و روشنی به زندگی ایرانیان است که در طول هزاره‌های گذشته تاکنون آن را جشن گرفته و با آیین‌های خاص پاس داشته‌اند.



شب یلدا یا همان شب چله؛ که در باور ایرانیان بلندترین شب سال و آغاز زایش دوباره خورشید و بازگشت گرما و روشنی به زندگی ایرانیان است که در طول هزاره‌های گذشته تاکنون آن را جشن گرفته و با آیین‌های خاص پاس داشته‌اند.

برخی از این آداب و رسوم نظیر شب‌نشینی و گردهم آمدن در خانه بزرگ خاندان، تفأل به دیوان حافظ، بردن شب چلگی برای نوعروسان و سرو انواع خوراکی‌ها و تنقلات نزد همه ایرانیان مشترک است، اما آیین‌های دیگری هم وجود دارد که خاص یک منطقه، استان یا قوم و طایفه است.

همچنین باورهای متفاوتی درباره این شب وجود دارد. در باور کرمانی‌ها، به گفته یک کارشناس مردم‌شناسی در میراث فرهنگی استان کرمان، آنها معتقدند در این شب گنج قارون به وسیله شتری در حرکت است و ممکن است ساربان آن با یکی از اعضای خانواده برخورد کند و مقداری از آن گنج را به او بدهد و نیز باور دارند در این شب باید هفت نوع میوه بخورند، چون ممکن است تا سال دیگر میوه گیرشان نیاید.

فاطمه رضاپور در گفت‌وگو با **جام جم** می‌افزاید: در این شب انواع بازی‌ها و تفریحات هم در کرمان رایج بوده که یکی از آنها به «مهردوره» معروف است.

اوکونوس، خوراکی لذیذ گیلانی‌ها
در گیلان «اوکونوس» میوه‌ای است که از دیرباز تاکنون در شب چله مصرف می‌شود و روش تهیه آن هم به این شرح است که در فصل پاییز از گیل خام را در خمره می‌ریزند و آن را پر از آب می‌کنند و کمی نمک هم به آن می‌افزایند و در خمره را می‌بندند. از گیل سفت و خام پس از مدتی پخته، آبدار و خوشمزه می‌شود.

پژوهشگر و مردم‌شناس گیلانی در این باره به **جام جم** می‌گوید: عبارت اوکونوس مرکب از دو واژه «آو» به معنای آب و «کونوس» به معنای از گیل جنگلی است که هم‌اکنون نیز به وفور در جنگل‌های گیلان یافت می‌شود.

به گفته هوشنگ عباسی، علاوه بر اوکونوس- که مصرف آن هنوز هم در شب چله در گیلان رایج است - خوراکی به نام «آوخوج» که تهیه شده از آب و گلابی وحشی است و همچنین انواع نان‌ها و کلوچه‌های محلی نیز در محافل و

مهمانی‌های این شب و در مناطق مختلف این استان استفاده می‌شود. وی نقالی و آواز خوانی بویژه اجرای یک نوع نقالی عاشقانه به نام «عزیز و نگار» و گرفتن انواع فال چون فال حافظ، فال آب و فال هندوانه و اجرای بازی‌هایی چون «پوچ یا مغز» و «فندق بازی» را از دیگر تفریحات و سرگرمی‌های این شب در میان گیلانی‌ها عنوان می‌کند.

شب چله در خراسان بزرگ
آیین «کف زدن» هم ویژه بخش‌هایی از خراسان بزرگ به‌ویژه خراسان رضوی و جنوبی است. حسن رمضانی، مدیر کل میراث فرهنگی خراسان جنوبی در این باره به **جام جم** می‌گوید: در این مراسم ریشه گیاهی به نام چوبک را که در این دیار به «بیخ» مشهور است در آب خیسانده و پس از چند بار جوشاندن، در ظرف بزرگ سفالی به نام تغار می‌ریزند.

مردان و جوانان فامیل با دسته‌ای از چوب‌های نازک درخت انار به نام دسته‌گز، مایع مزبور را آنقدر هم می‌زنند تا به صورت کف درآید. کف آماده شده با مخلوط کردن شیره شکر آماده خوردن شده و پس از تزئین با مغز گردو و پسته برای پذیرایی مهمانان برده می‌شود. در این میان گروهی از جوانان قبل از شیرین کردن کف‌ها با پرتاب آن به سوی هم و مالیدن به سر و صورت یکدیگر، شادی و نشاط را به جمع مهمانان می‌افزایند.

در خراسان شمالی هم به گفته علی حسین‌پناه، کارشناس مردم‌شناسی میراث فرهنگی این استان، خوردن نوعی حلوای تهیه شده از مغزهای گردو و بادام به علاوه شیره انگور که در روغن زرد تفت داده می‌شود و همچنین «برف شیره» (معجونی از شیره انگور و برف، مخصوص شب‌های برفی) رایج است. پختن کدو، چغندر قند و لبو نیز از دیرباز تاکنون در میان بسیاری از خانواده‌های این استان در شب یلدا مرسوم است. شاید یکی از مهم‌ترین آداب ویژه این شب

در بین ترکمن‌های خراسان شمالی و گلستان، خواندن دو رکعت نماز شکر است.

رنگارنگ و مقوی در دست‌بافته‌های سیستان
آیین شب یلدا در استان سیستان و بلوچستان از دیرباز در سه شب متوالی با عناوین شب چله‌بزرگ و چله متوسط و چله کوتاه برگزار می‌شود.

آبراهیمی، کارشناس مسئول میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان با ذکر این مطلب درباره مراسم و خوراکی‌های خاص شب یلدا به **جام جم** می‌گوید: در این شب سفره‌ای بزرگ از دست‌بافته‌های سیستان را می‌گسترانند و با خوراکی‌های خوشمزه‌ای که پیشتر آماده شده، تزئین می‌کنند؛ از هندوانه گرفته تا خربزه‌ای به نام چولی. فراهم کردن معجون‌های متنوع و خوشمزه‌ای از بودرهای شیرینک تهیه شده از جوشاندن هندوانه تازه همراه تخمه‌ها و گندم نیم‌کوب و پودر ستو (از ترکیب پودر جوی آبدار و بوداده شده با شکر و نبات) نیز در این شب نوشیده می‌شود. همچنین خوردنی خوشمزه و زمستانه دیگری که برای این شب آماده می‌شود، دوشو (دوشاب)، نام دارد که از ترکیب خرما و مضافتی همراه روغن زرد حیوانی به دست می‌آید.

شال قرمز در سینی هندوانه آذربایجانی‌ها

در خطه شمال و آذربایجان رسم بر این است که در این شب خوانچه‌ای تزئین شده به خانه تازه عروس یا نامزد خانواده بفرستند، با این تفاوت که مردم آذربایجان غربی و شرقی در سینی خود هندوانه‌ها را تزئین می‌کنند و شال‌های قرمزی را اطرافش می‌گذارند، درحالی که مردم شمال یک ماهی بزرگ را تزئین می‌کنند و به خانه عروس می‌برند. در تبریز هم در موسم یلدا «عاشیق‌ها» می‌نوازند. قصه‌هایی که عاشیق‌ها در شب یلدا می‌گویند ریشه در افسانه‌های کهن ایرانی دارد. قصه‌هایی مثل «کوراوغلو» و قصه‌های مهر و محبت شبیه «قربانی و پری» از قصه‌های مشهور عاشیق‌هاست.

فال سوزن همدانی‌ها

همدانی‌ها هم فالی به نام «فال سوزن» دارند، به این ترتیب که همه دور تادور اتاق می‌نشینند و پیرزنی به طور پیاپی شعر می‌خواند. دختر بچه‌ای پس از اتمام هر شعر بر یک پارچه نبریده و آب ندیده سوزن می‌زند و مهمان‌ها بنا به ترتیبی که نشسته‌اند، شعرهای پیرزن را فال خود می‌دانند.

بلندی شال در بلندای سال

آهالی لرستان در شب چله، با گوسفند یا بوقلمونی که برای شب چله، پروار و چاق کرده‌اند، غذا تهیه و از مهمانان خود پذیرایی می‌کنند. «گندم شیر» هم خوراک مخصوص لرها در این شب است. همچنین در این شب نوجوانان و جوانان محله‌های مختلف لرستان، به گروه‌های دو یا چهار نفری تقسیم شده و به پشت‌بام خانه‌ها می‌روند و از راه دودکش بخاری‌های خاموش خانه‌های قدیمی یا جلوی پنجره‌ها، شال بلندی به خانه‌ها می‌فرستند و با خواندن ترانه‌های مخصوص این شب، تقاضای آجیل و تنقلات می‌کنند. صاحب‌خانه نیز مقداری خوراکی آن شب را به پیرشال می‌بندد و با تکان دادن آن اشاره می‌کند که بالا بکشند.

شب «بخت‌گشایی» تهرانی‌ها

یکی از اعتقادات مردم قدیم تهران در شب یلدا اعتقاد به «بخت‌گشایی» بوده است، آن هم با توسل به «پنبه‌زن» و شغل «پنبه‌زنی»، به این ترتیب که خانواده‌های دارای دختر دمیخت علاوه بر سپردن تشک و متکاهای خود به پنبه‌زن، هدف خاصی را دنبال می‌کرده‌اند که چیزی به‌جز بخت‌گشایی نبوده است. نقل است که والدین دختران دمیخت هنگامی که پنبه‌زن به هر دلیلی دست از کار می‌کشیده و آنها کمان پنبه‌زنی را تنها می‌یافته‌اند، فوراً دختر مورد نظر را از میان کمان عبور می‌داده و معتقد بوده‌اند که بخت دختر همانند زه کمان به‌زودی گشوده خواهد شد. چون طبعاً زه کمان به محض ورود دختر از آن پاره می‌شده، طبیعی است که پاره شدن چله کمان آن هم در شبی چون شب «چله» که کاروبار سکه است، برای پنبه‌زن‌ها به عنوان یک مصیبت قلمداد می‌شده و آنان معمولاً سعی می‌کرده‌اند که چهارچشمی مواظب کمان خود در خانواده‌های دارای دختر دمیخت باشند یا پیشنهاد کار از سوی آنان را نپذیرند.

فاطمه مرادزاده